



خبرنامه

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)

فبری سیاسی

دوره جدید، شماره ۵۹

۹ اردیبهشت ۱۳۸۳ - ۲۸ آوریل ۲۰۰۴

مادر لباس ها را گرفت و گفت: ((هفت سال مرا از کرج به اوین
کشانید و هر بار پرسیدم، دفترم کی آزاد می شود؟ گفتید: بزودی.
حالا بی آنکه نشانی گورش را بدهید، تنها لباس هایش را تعویض
می دهید! لباس های او را بر آستانه در خانه مان آورزان می کنم تا
یادمان نرود شما با ما چه کردید!))

آیا آن گونه که خاتمی می گوید، "وضع حقوق بگیران تا ۴ سال دیگر مطلوب می شود؟"

ذخیره ارزی، حدود ۴ میلیارد دلار در اختیار بخش خصوصی قرار گرفته بود. اما با افتتاح حساب ارزی ۳/۵ میلیارد دلار در اختیار بخش خصوصی قرار گرفته و اختصاص حدود ۷ یا ۸ میلیارد دلار نیز در دست اقدام است. ادعای خاتمی در باره حل کمبودها و برآورده کردن مطالبات و خواسته های مزدبگیران، ادعای تازه ای نیست و سران رژیم از آغاز تا به امروز آن را تکرار کرده اند. خاتمی زمانی که برنامه توسعه اقتصادی خود را در سال ۱۳۷۹ اعلام کرد، یکی از دغدغه های دولت خود را مهار تورم و حل مساله اشتغال و بیکاری دانست که می خواست آن را طی سه مرحله به نحوی ریشه کن کند که بیکاری در جامعه وجود نداشته باشد. او در طرح ساماندهی اقتصادی خود که در سال ۱۳۷۷ ارائه داد، **بقیه صفحه ۲**

خاتمی در "همایش ملی معرفی کارگران نمونه" با بیان این موضوع که وضع حقوق بگیران تا چهار سال دیگر مطلوب می شود، گفت: کارگران، معلمان و اساساً حقوق بگیران در کشور ما کمبود دارند و ما در تولید و توزیع کمبودهای فراوانی داریم که امید است حق و حقوق مورد نظر حقوق بگیران ظرف ۳ یا ۴ سال آینده تأمین شود. برای آن که نشان دهد زیاد بی پایه هم نگفته است، افزود: استفاده از منابع، موقعیت ممتاز و استعدادها نیاز به سرمایه گذاری دارد. اگر منابع سرشاری هم داریم استفاده از آن بدون توجه به سرمایه گذاری مقدر نیست که در این زمینه دولت گام هایی را برداشته و به تلاش های خود ادامه می دهد. بطوریکه استفاده از منابع ذخیره ارزی تحرک عظیمی در اقتصاد کشور ایجاد کرده است. در این ارتباط از زمان پیروزی انقلاب تا زمان افتتاح حساب

"خواستگاری"

قابل تحمل تر است. حدود ۲۵ نفر در اتاق در بسته زندگی می کنیم. مجاهدها در سلول های کوچک بند هستند و در سلول های آن ها باز است. در یک سلول هم محکومین جرایم عادی به سر می برند. مجاهدین هنوز توبه ی ناکتیکي شان را شروع نکرده اند. بنابر این همه به هم اطمینان دارند. روابط خوبی بین ما و مجاهدین وجود دارد و حاج داود مدام مواظب است که آن ها با ما تماس نگیرند. گاهی آن ها را نصیحت می کند: هر چه باشد شما بچه مسلمان هستید و فریب خورده اید. در توبه به روی شما باز است اما آن ها کافر و نجس اند.

بقیه صفحه ۳

دو ماهی است که از اوین به قزل حصار منتقل شده ام. بیشتر زندانی ها حکم بالا دارند و عده ای هم زیر اعدام هستند. برخورد زندانی و زندانبان در این جا با اوین متفاوت است. شاید یکی از علت آن این باشد که زندانیان این جا را محلی می دانند که باید مدت طولانی در آن زندگی کنند. در حالی که در اوین به جز آن هایی که بلافاصله بعد از دستگیری اعدام می شدند، بقیه تقریباً بلا تکلیف بودیم. برخورد زندانی ها در اوین بیشتر تهاجمی بود و مقررات را زندانبان خود تعیین و رعایت می کردند. به طور کلی برخورد زیادی بین زندانی و زندانبان پیش نمی آمد. از اوین بلافاصله به بند ۸ منتقل شدم. شنیدم در بند ۴ وضع از این جا بهتر و مقررات

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل پرونده نقض حقوق بشر در ایران را از دستور کار خارج کرد

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل پرونده نقض حقوق بشر در ایران را از دستور کار خود خارج کرد. روز شنبه پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۸۳، در آخرین اجلاس حقوق بشر سازمان ملل در ژنو گروهی که توسط سران اتحادیه اروپا در این کمیسیون هدایت می شد، پرونده ایران را از دور مذاکره برای بررسی موارد نقض حقوق بشر در ایران خارج کرد. ۵۳ عضو کمیسیون هر ساله برای بررسی وضعیت حقوق بشر در کشورهایی تصمیم می گیرند که موارد متعدد نقض حقوق بشر در آن کشورها گزارش شده است.

با توجه به قطعنامه کمیسیون ۵۰ شورای عمومی سازمان ملل، این احتمال تقویت شده بود که پرونده ایران مورد بررسی قرار گیرد.

این کمیسیون، با توجه به گزارش لیگایو، گزارشگر ویژه آزادی بیان و قطعنامه جلسه پنجاهم شورای عمومی، باید حتماً پرونده ایران را بررسی می کرد، اما بنظر می رسد رژیم جمهوری اسلامی امتیازهایی به کشورهای اروپایی وعده داده که پرونده رژیم را از دور مذاکرات خارج کنند. قبلاً گزارش لیگایو و گزارش کمیسیون پارلمانی کانادا به نقض حقوق بشر ایران اشاره شده بود.

اتحادیه اروپا در حالی این کار را انجام داد که خود یک ماه پیش به روند نقض حقوق بشر در ایران به رژیم هشدار داده بود.

امور بین الملل کانون زندانبان سیاسی ایران (در تبعید) طی ارسال نامه سرگشاده ای به کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا، به اقدام این اتحادیه به خاطر خارج کردن پرونده رژیم از دور مذاکرات اعتراض کرده و آن را عملی منافع جویانه و بر خلاف مصالح مردم ایران دانست.

لغو مجازات اعدام با اکثریت آراء

قطعنامه ای که از سوی اتحادیه اروپا، برای متوقف کردن حکم اعدام در سراسر جهان به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ارائه شده بود، از سوی این کمیسیون با ۳۰ رای موافق در مقابل ۱۸ رای مخالف و ۵ رای ممتنع به تصویب رسید. در این رابطه کمیسیون حقوق بشر طی فراخوانی از همه کشورهای جهان خواست تا به لغو کامل قانون اعدام اقدام نموده و تا آن زمان نیز از اجرای هرگونه حکم اعدامی نیز خودداری نمایند. این قطعنامه روز چهارشنبه ۲۱ آوریل ۲۰۰۴ به تصویب رسیده و از سوی کشور سوئیس، بعنوان کشور ناظر، نیز مورد حمایت کامل قرار گرفت. گفتنی است بر اساس آماري که عفو بین الملل منتشر کرد، در سال ۲۰۰۳، **بقیه صفحه ۴**

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) به فاصله چاپ خبرنامه های شماره ۵۸ و ۵۹، چندین اطلاعیه در رابطه با مسائل گوناگون از جمله در حمایت از اطلاعیه کانون نویسندگان (در تبعید) که در باره نمایشگاه عبا و نعلین خمینی در برلین صادر کرده بود، صادر کرد که بعلت تراکم مطالب امکان چاپ آن ها در خبرنامه نیست.

از هم اکنون باید در تدارک دادگاه سران جمهوری اسلامی به جرم بنایت علیه بشریت و عاملین شکنجه و اعدام و کشتار ده ها هزار دکراندیش سیاسی و فرهنگی، مردم کوچه و فیابان مبتنی بر معیارهای ویژه یک جامعه انسانی بود که در فردای واژگونی رژیم، نقطع عطفی باشد برای دادخواهی و اجرای عدالت و مبارزه برای نفی زندان و شکنجه و اعدام و سرکوب در ایران.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

اطلاعیه

اول ماه مه، روز جهانی کارگر گرامی باد!

کارگران و سایر زحمت‌کشان جهان امسال در شرايطی به استقبال اول ماه مه می‌روند که ارتجاع جهانی به سرکردگی آمریکا، جهان، بویژه منطقه خاورمیانه را به آشوب کشانده و جنگ خانمان سوزی را به توده‌های رنج‌کشیده مردم در عراق و افغانستان تحمیل کرده‌اند. ارتجاع سرمایه چنانچه منافع خود را در خطر ببیند، به هر عمل ضدبشری، از سرکوب سیاسی تا جنگ و لشکرکشی دست می‌زند.

در ایران تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، توده‌های کارگر و زحمتکش مردم که اکثریت جامعه ایران را تشکیل می‌دهند، از کوچکترین حقوقی برخوردار نیستند. آن‌ها حق تشکل و اعتصاب و اعتراض و ابراز نظر و حق خواهی و مخالفت ندارند. سرکوب و زندان و شکنجه، چماق ارتجاع جمهوری اسلامی در بیست و پنج سال گذشته بر سر مردم بوده است. اما با اینحال جنبش‌های اجتماعی و حق‌طلبانه در سال‌های اخیر دیوارهای بلند سرکوب را در نور دیده و به مخالفت با حاکمیت ظلم و ستم برخاسته‌اند. توده مردم برای پیشبرد مبارزات جمعی خود بویژه در محل‌های کاری و آموزشی نظیر کارخانه و مدرسه و بیمارستان و دانشگاه، ناچار به پیشبرد مبارزاتشان از طریق تشکل‌های حکومتی بوده‌اند. در یک سال گذشته، از اول مه ۱۳۸۲ تا اول مه ۱۳۸۳، تظاهرات و اعتصابات کارگران، معلمان، دانش‌جویان و پرستاران بی وقفه ادامه داشته است. علی‌رغم اینکه رژیم جمهوری اسلامی وانمود می‌کند این اعتراضات تأثیری در وضعیت‌اش نداشته، اما خود را با یک بحران همه جانبه مواجه می‌بیند. همین قدر کافی است اشاره شود که رژیم در پی اعتراضات سراسری معلمان ناچار شده به برخی از مطالبات و خواسته‌های صنفی آنان پاسخ دهد. وضعیت رژیم به دلیل افزایش مخالفت توده‌ها شدیداً متزلزل شده و تأثیر ناشی از مبارزات اجتماعی پایه‌های آن را سست‌تر کرده است. رژیم اکنون در ضعیف‌ترین شرایط دوران حیات خود بسر می‌برد. ادامه مبارزات اجتماعی در صورتی که کارگران در کارخانه‌ها و محیط‌های کاری نظیر شرکت نفت و آب و برق و مخابرات، معلمان در مدارس و محل‌های آموزشی، پرستاران در بیمارستان‌ها و محیط‌های درمانی، دانش‌جویان در دانشگاه‌ها و مدارس عالی به سازمانیابی مستقل روی بیاورند و مبارزات خود را به صورت سراسری به هم پیوند بزنند، رژیم را با بحران فروپاشی مواجه خواهند کرد.

سالی که گذشت، سالی سخت و زیان آور برای توده‌های کارگر و زحمتکش ایران بود. رژیم علیرغم اینکه مجبور شد به معلمان امتیازات ناچیزی بدهد، اما برای هماهنگ کردن اقتصاد ایران با شرایط صندوق بین‌المللی پول، دست به تصویب قوانین ضدکارگری زد و بسیاری از کارخانه‌های دولتی را به بخش خصوصی واگذار کرد که تعدادی زیادی از آن‌ها به علت فساد مالی و سوء مدیریت ورشکست شده و هزاران کارگر را از کار بیکار کردند. بقیه صفحه ۳

جامعه محصول نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران است. این نظام ثروت و رفاه را در یک سوی جامعه و فقر و گرسنگی و بیکاری را در سوی دیگر انباشت کرده است. با این حال رژیم جمهوری اسلامی با اعمال یک رشته سیاست‌های عمیقاً ارتجاعی در عرصه‌های مختلف برنامه ریزی، موجب وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی در جامعه شده است و تا زمانی که برسر کار است چشم‌اندازی برای بهبود آن وجود ندارد.

"خواستگاری"

اولین بار است که این ویژه را در زندان می‌شنوم و نمی‌دانم منظور از آن چیست، اما احساس می‌کنم نباید چیز خوبی باشد، چون برخی از زندانیان آذری زبان با شنیدن آن حالشان دگرگون شد و رنگ برخی از آن‌ها پرید. علت اصرار بچه‌ها به از بین بردن دست نوشته‌ها به زبان آذری هم معلوم شد. هم اتاقی‌هایم توضیح دادند که واژه "خواستگاری" در واقع طنز تلخی است که در مورد کسانی به کار برده می‌شود که به آرمان و گروه خود خیانت کرده، با رژیم همکاری می‌کنند و افراد گروه خود را شناسایی و اطلاعات لو نرفته را در اختیار رژیم قرار می‌دهند.

ساعتی بعد چشم به جمال "خواستگار" روشن شد. ورود حاج داود را به بند اعلام کردند که به دنبالش کاروانی از پاسدارها روان بودند. یک نفر دیگر هم همراه آن‌ها بود که جدای از چادر و مقععه صورتش را زیر رویند سیاه پنهان کرده بود. شاید او نمی‌خواست کسی او را بشناسد و شاید هم به دلیل شرم از کاری بود که انجام می‌داد. شاید نمی‌توانست چشم در چشم دوستان سابق خود بدوزد و به خیانت خود اعتراف کند. شاید هم اگر می‌توانست قدش را تغییر می‌داد و بلند یا کوتاه می‌کرد تا کسی نتواند او را بشناسد. همه آذری زبان‌ها که خود می‌دانستند هنوز مسایل لو نرفته دارند و امکان شناسایی‌شان از طرف خواستگار وجود دارد تا جایی که می‌توانستند چهره‌شان را زیر چادر پوشانند. ما هم برای هماهنگی با آن‌ها تا آنجا که امکان داشت با چادر چهرمان را پوشانیدیم.

صدای خواستگار را کسی نشنید زیرا او فقط در گوش حاج داود پچ پچ می‌کرد و با هر پچ پچی حاج داود فردی را مورد خطاب قرار می‌داد و از او اسم و مشخصات می‌پرسید. با عده‌ای به پیشنهاد خواستگار بیشتر حرف می‌زد. او با لحن اهانت آمیزش که نشان‌گر روحیه لومپنی او بود به قربانیان می‌گفت: "چی شده امروز ما نامحرم شدیم و از ما رو می‌گیرید. هر روز که چادر به سرتان زار می‌زند و نصف سرتان بیرون است، امروز چرا رویتان را قرص و محکم گرفته‌اید؟" وقتی جواب نمی‌شنید می‌گفت: "چی شده زبانتان را خورده‌اید و خودش از لودگی خودش می‌زد زیر خنده.

ادامه دارد

از کمک‌های مالی‌تان متشکریم

سوند: مهری ۵۰۰ کرون،

مریم ۲۰۰۰ کرون--خانواده زندانیان سیاسی

انگلیستان: نینا ۲۰۰ پوند، نینا-خاتالی ۲۰۰ پوند

بقیه صفحه ۴

آیا آنگونه که خاتمی می‌گوید...

تقدم را به "عدالت اجتماعی" داد و "مسأله تامین اجتماعی را یک امر اساسی خواند." خاتمی برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی را که در دیماه ۱۳۸۲ به مجلس ششم ارائه داد، تک رقمی کردن نرخ تورم، یک رقمی کردن نرخ بیکاری و رعایت عدالت اجتماعی را از محورهای اصلی این برنامه عنوان کرد. صرفنظر از اینکه اساساً چنین ادعائی با بحران ژرف و گسترده‌ای که اقتصاد ایران با آن روبرو است صحت دارد یا نه، خاتمی بر مبنای کدام برنامه اقتصادی می‌خواهد به برنامه‌های توسعه و اجتماعی خود جامه عمل بپوشد و نرخ دو رقمی تورم و بیکاری را به یک رقمی کاهش دهد؟ آنچه ظاهراً در این برنامه مایه دلخوشی خاتمی است برای حفظ چرخه اقتصاد کشور در همین حدی که هست، افزایش سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی و اختصاص هشت میلیارد دلار ذخیره ارزی به این بخش است. برنامه چهارم هم نشان می‌دهد که خاتمی برنامه جدی برای مقابله با بحران اقتصادی ندارد و با هزینه کردن درآمدهای نفت در بخش خصوصی (دلالی و تجاری) بحران اقتصادی و اجتماعی موجود را عمیق‌تر کرده و جز تشدید وخامت اوضاع زندگی توده‌های مردم کار دیگری انجام نمی‌دهد. این برنامه نه تنها بحران اقتصادی را حل نخواهد کرد، بلکه اوضاع را وخیم‌تر و تورم و بیکاری را گسترش خواهد. تلاش خاتمی در دو دوره ریاست جمهوری‌اش بر این بوده که خصوصی سازی را گسترش دهد و هرگونه مانعی را از سر راه فعالیت سرمایه‌های داخلی و خارجی بر دارد. او در سطح وسیعی قوانین کار را به نفع سرمایه تغییر داد و تسهیلاتی در زمینه اعتبارات بانکی و معافی مالیاتی برای‌شان ایجاد کرد. خاتمی با آنکه موانع مبادله را کاهش داد، اما اقتصاد آن گونه که او تصور می‌کرد تحرک پیدا نکرد و سرمایه‌های خارجی در آن سطحی که او می‌پنداشت جذب بازار ایران نشدند. اما سیاست اقتصادی او موجب شد هزینه‌های اجتماعی به شدت کاهش یافته و وابستگی اقتصادی و بدهی‌های خارجی ایران به ۶۳ میلیارد دلار افزایش یابد.

این سیاست موجب شد سودهای کلانی عاید سرمایه‌داران گردد، توده‌های مردم فقیرتر شوند، صدها کارخانه و موسسه تولیدی تعطیل شود و ده‌ها هزار کارگر از کار بیکار شوند و به ارتش چند میلیونی بیکاران به پیوندند. این ارتش که همواره بر تعداد آن افزوده می‌شود، فقیر و گرسنه است و با فلاکت و بیدختی زندگی می‌کند. میلیون‌ها کارگر، معلم، کارمند و پرستار و... که بخت با آن‌ها یاری کرده و هنوز کار دارند، با مشقت زیادی زندگی می‌کنند. با این حال خاتمی اظهار امیدواری می‌کند که "حق و حقوق مورد نظر حقوق بگیران تا ۳ یا ۴ سال دیگر تامین شود"، "انشالله" رئیس‌جمهور بعدی "حق و حقوق مورد نظر حقوق بگیران" را در برنامه توسعه اقتصادی پنجم و ششم و... خواهد گنجاند! واقعیت این است حتی اگر خاتمی برنامه اقتصادی هم می‌داشت، کار زیادی نمی‌توانست صورت دهد. رئیس‌جمهور بعدی هم نخواهد توانست. زیرا مصائب و مشکلات اقتصادی

"خواستگاری"

همه بدون استثنا نماز می‌خوانند و یا تظاهر به نماز خواندن می‌کنند. صبح‌ها در اتاق ما را باز می‌کنند که بعد از نماز همراه با دیگر زندانیان سرود "خمینی ای امام" را بخوانیم.

هنوز این مسایل برایم جا نیفتاده و نمی‌دانم چرا و در چه شرایطی زندانیان به این وضعیت تن داده اند. بیشتر اوقات با چند تن دیگر از زندانیان بحث می‌کنیم. جای تعجب است که همه باهم در این مورد به توافق رسیده اند و حتی یک نفر هم از این قاعده مستثنی نیست.

روزها با مطالعه کتاب‌های محدودی که در بند است و یا با صحبت‌های دو یا چند نفره می‌گذرد. در اتاق ما روزی سه بار برای گرفتن غذا و... باز می‌شود. در هفته یک بار از حمام که در داخل بند است استفاده می‌کنیم. گاهی هم زندانیان دانست‌های خود را به دیگران می‌آموزند. من و چند نفر دیگر با استفاده از حروف اسلاو که در آذربایجان شوروی مرسوم بود، زبان آذری تمرین می‌کردیم.

مشغول تمرین هستیم که نگرهبان در بند ظاهر می‌شود و اعلام می‌کند که همه سریع بند را ترک کنند و به هواخوری بروند. باز هم یورش به بند و تفتیش و غارت آن چه که زندانیان برای خود ساخته اند تا دوران محکومیت را با آن سپری کنند. همه به تکاپو می‌افتند و هرکس در صدد است هر چه را می‌تواند جاسازی کند و آن چه را خطرناک است به نحوی نابود کند. زمزمه در بند می‌پیچد که نوشته‌های آذری را از بین ببرید. نمی‌دانم اطلاعات به چه طریقی به بند رسیده، اما هر چه هست به نظر می‌رسد منبع آن موثق باشد. بچه‌ها توصیه می‌کنند دست نوشت‌های آذری را نابود کنیم. بعد از باز شدن در اتاق همه جلوی دست شویی به صف می‌ایستاده‌ایم و در انتظار نوبت‌ایم تا نوشته‌هایی را که ماه‌ها وقت صرف آن کرده‌ایم از بین ببریم. عده‌ای در حال حفظ کردن آن‌ها هستند و سعی می‌کنند هر چه بیش‌تر به ذهن بسپارند. در این آشفتگی بازار زندانیان شروع به غروندن می‌کند که هر وقت اسم هواخوری می‌آید همه جلوی دستشویی صف می‌بندند.... کسی به غروندن او توجه نمی‌کند.

در هواخوری سعی می‌کنیم با بحث و نظرخواهی تا اندازه‌ای حدس بزنیم که منظورشان از هجوم این نوبت چیست. با این که هنگام ورود ما به بند تمامی وسایل ما را به دقت تفتیش کرده بودند، همه‌ی فکرها متوجه گروه تازه وارد می‌شود. آن‌ها فکر می‌کنند ممکن است به این گروه مشکوک شده باشند کتابی یا چیزی از اوین به همراه آورده باشند. از آن جا که سلول‌های مجاهد‌ها شامل تفتیش نشده است این فکر بیشتر تقویت می‌شود. اما مساله زبان آذری را نمی‌توانیم حل کنیم. هر چه حدس و گمان است روی هم می‌ریزم و به نتیجه ای نمی‌رسیم.

پایان هواخوری اعلام می‌شود و به بند بر می‌گردیم. بر خلاف همیشه تفتیش سطحی بوده و درهم و برهمی زیادی به وجود نیامده است. برخی از کتاب‌ها در بند باقی مانده و وسایل هر ساکی در کنارش است. مشغول سروسامان دادن به اتاق می‌شویم که زمزمه‌ی خواستگاری از آذری زبان‌ها در بند می‌پیچد. **بقیه صفحه ۲**

بهترین زندان‌ها

در خبرها آمده که رضا دوست محمدی، رئیس زندان اوین در واکنش به آنچه که او آن را "جوسازی علیه شرایط زندانیان" خوانده، گفته که "زندان در هیچ جای دنیا تا این حد آزاد و راحت نیست" و از اوین به عنوان راحت‌ترین زندان‌ها نام برده، آن‌چنان راحت که تلفن در اختیار زندانیان است و آن‌ها هر لحظه که بخواهند می‌توانند با خانواده‌های خود تماس تلفنی بگیرند. لاجوردی جلاد هم زمانی که گروه زندانیان سیاسی را در اوین به جوجه‌های اعدام می‌سپرد، همین لاطانات را بارها تکرار کرد. بیاد دارم زمانی که میرعماد دادستان فارس و جلاد زندان‌های بوشهر، آیاده و بندرعباس در زندان عادل‌آباد اقدام به رنگ‌آمیزی و یک رشته تعمیرات و تغییرات در زندان کرد، به زندانیان منت گذاشت که زندان را برای آن‌ها به هتل تبدیل کرده است. او در حالی این لاطانات را به زبان می‌آورد که ماشین سرکوب و شکنجه رژیم بی وقفه در زندان عمل می‌کرد. شکنجه‌گری در زندان عادل آباد شیراز ادعا می‌کرد به دلیل دادن حق انتخاب نوع کابل (ضخیم یا نازک) به زندانی دمکرات است. بازجویی که زندانی را بعد از شکنجه برای پانسمان به بهداری اعزام می‌کرد خود را رؤف و خوش قلب می‌خواند.

زمانی فخرالدین حجازی در زندان عادل آباد سخنرانی می‌کرد و در این مورد صحبت می‌کرد که یکی از افتخارات حکومت اسلامی آن است که زندان‌های شاه را به دانشگاه تبدیل کرده است. صحبت‌اش در این رابطه تمام نشده بود که صدای ناله و فریاد یک زندانی که در مجاورت سالن اجتماعات در بند اندرزگاه شکنجه می‌شد در فضای زندان پیچید. حجازی با شنیدن ناله و فریاد زندانی که با صدای ضربات کابل همراه بود، گفت: البته باید این را هم اضافه کنم که شما ممکن است در خانه هم خطائی بکنید و پدر و مادران شما را به خاطر آن تنبیه کنند. ردالت را می‌بینید؟! "

محسن مخمل‌باف در زندان عادل‌آباد مشغول ساختن فیلم بایکوت بود و به جهت فیلم‌برداری چند سلول مجاور ما را اشغال کرده بود. روزی او را برای صرف چائی به سلول‌مان دعوت کردیم. علی‌رغم اینکه مایل نبود با زندانیان صحبت کند، اما دعوت را پذیرفت. نظرش را در مورد شکنجه پرسیدیم. او پرسید مگر در زندان‌ها شکنجه هم وجود دارد؟! گفتیم که تقریباً همه زندانیان این بند شکنجه شده‌اند. جای شکنجه‌ها را بوی نشان دادیم. او با خونسردی گفت: تعزیر در اسلام جایز است اما شکنجه ممنوع است. از او فرق شکنجه و تعزیر را پرسیدیم. ضمن آنکه حاضر نبود وجود شکنجه در زندان‌های رژیم را به پذیرد، با ذکر روایتی از احکام فقه از دادن پاسخ به سؤال ما اجتناب کرد.

رژیم جمهوری اسلامی با توسل به مفاهیم و واژه‌های اسلامی طی بیست و پنج سال حکومت ننگین خود، همواره تلاش کرده جنایاتی را که در سطح جامعه و در زندان‌ها مرتکب می‌شود،

توجیه کند. وقتی شاهرودی، رئیس قوه قضائیه، بی‌داده‌های رژیم را عادلانه‌ترین دادگاه‌ها، رفسنجانی، ایران را دمکرات‌ترین و خامنه‌ای، ایران را آزادترین کشورهای دنیا می‌نامند، چرا رضا دوست محمدی، رئیس زندان اوین، یکی از مخوف‌ترین زندان‌های رژیم را راحت‌ترین و آزادترین زندان دنیا نامد.

خبر، ننگ و جنایت را نمی‌توان با رنگ ار بین برد. نام زندان اوین با خون هزاران دکراندیش سیاسی آغشته است. این زندان، شکنجه‌گاه و قتلگاه ده‌هزار تن از مخالفان رژیم در طی بیست و پنج سال گذشته و بیش از آن در زمان سلطنتی بوده است. عمق جنایات رژیم در زندان‌ها تنها زمانی آشکار خواهد شد که رژیم به همت توده‌ها سرنگون شده باشد.

رژیم بر اثر فشار افکار عمومی و فشارهایی که اتحادیه اروپا در مورد نقض حقوق بشر به آن وارد می‌کند، دست بیک رشته مانورها زده و قصد دارد برخی از زندان‌های بدنام نظیر زندان توحید (کمپته مشترک) را به موزه تبدیل کند، برخی دیگر مانند زندان فصر را تخلیه و زندانیان آن را به زندان‌های جدید که ساخته است منتقل کند و زندان اوین را از خون و چرک شکنجه شکنگان و به خون خفته‌گان سیاسی، با تغییرات ظاهری در برخی از بندهای زندانیان خودی پاک کند. مگر همین چند وقت پیش عکس اکبر گنجی در حالی که در پیشخوان یک سلول عمومی ایستاده بود که با فرش و پرده‌های رنگین تزئین شده بود، در صفحه اول روزنامه‌های رژیم به چاپ رسید. چرا دوست محمدی، برای نشان دادن "راحت‌ترین زندان دنیا"، حیرت‌انگاران را به دیدن سلول‌ها و اتاق‌های شکنجه ۲۰۹، افرادی‌های آسایشگاه که صدها زندانی سیاسی در غیرانسانی‌ترین شرایط در آن‌ها محبوس هستند و میدان تیر (محوطه پشت بند چهار گانه) اوین که در آن هزاران زندانی سیاسی را به جوخه مرگ سپرند، نبرد؟! "

اول ماه مه، روز جهانی کارگر...

رژیم جمهوری اسلامی جامعه را به فساد و تباهی کشانده است. میلیون‌ها تن از توده‌های مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند. میلیون‌ها تن بیکار هستند و به سختی امرار معاش می‌کنند. صدها هزار زن جوان به دلیل فقر و نداری به تن فروشی روی آورده‌اند. صدها هزار کودک و نوجوان به جای نشستن روی نیمکت‌های مدرس در خیابان‌ها به کارهای غیرمولد و سخت مشغول هستند. آن‌ها قربانی رژیم هستند که قرار بود نفت را به تساوی میان مردم توزیع کند.

جامعه کارگری باید بداند که می‌تواند بر این بی‌عدالتی‌ها نقطه پایانی بگذارد. اما بدون سازمان یابی، بدون گذر از تشکلهای حکومتی، بدون کسب حمایت سایر اقشار زحمتکش جامعه از مبارزات خود و یا حمایت از مبارزات آن‌ها راه به جایی نخواهد برد.

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) اول ماه مه، روز جهانی کارگر را به توده‌های زحمتکش ایران اعم از کارگران، معلمان، پرستاران، کارمندان و.... تیریک می‌کوبد.

۶ اردیبهشت ۱۳۸۳ برابر با ۲۵ آوریل ۲۰۰۴

زندانها را باید تعطیل کرد و به تفتیش عقاید، شکنجه و اعدام پایان داد!

**آدرسهای تماس
با کانون زندانیان سیاسی
ایران (در تبعید)**

AIPP in Exile
P.O.Box 786
St Marys 2760
N.S.W Australia

AIPP in Exile
P.O.Box 35662
A.B.Q.NM 87176-5662
U.S.A

AIPP in Exile
P.O.Box 95
123 22 Farsta
Sweden

AIPP in Exile
Postbus 14559
1001 LB Amsterdam
Holland

AIPP in Exile
Postfach 101520
50455 Koln
Germany

تلفن‌های تماس یا کانون

امور بین‌الملل 46 70 797 3808
امور پناهندگی 46 70 402 55 31
واحد سوئد 46 70 699 83 73
واحد استرالیا 61 2 962 31 924
واحد هلند 31 6 402 16 453
واحد آلمان 49 174 582 3006
واحد آمریکا 1 505 688 15 03
فکس‌های کانون

46 8 605 2669
61 2 962 31 924
1 505 897 1666

پست الکترونیکی
aipp@kanoon-zendanian.org
صفحه اینترنت
www.kanoon-zendanian.org

**کمک‌های مالی خود را به شماره
حساب پستی:**
Postgiro: 647039-7
واریز و فیش بانکی را با کد مورد
نظر به یکی از آدرس‌های کانون
پست نمایید

Khabarnameh

The Newsletter of Association
of Iranian Political Prisoners(in
Exile)

**اعتصاب سراسری ۱۲ اردیبهشت
رابرگزار خواهیم کرد**

از زمانی که معلمان اعلام کردند در تاریخ ۱۳ اردیبهشت دست به اعتصاب سراسری خواهند زد، رژیم تلاش گسترده‌ای برای جلوگیری از این اعتصاب آغاز کرده است. معلمان اخیراً طی انتشار اطلاعیه‌ای، ضمن فراخوان به برگزاری اعتصاب سراسری در روز ۱۳ اردیبهشت، اعلام کردند، از یک سو وعده‌های سرخ‌زمن می‌دهند که در صورت خودداری معلمان از اعتصاب سراسری، حقوق و مزایای آنان را پرداخت خواهند کرد، و از سوی دیگر فعالین را تحت پیگرد شدید پلیسی و امنیتی قرار می‌دهند. هفته‌نامه "قلم معلم" تنها ارگان اطلاع‌رسانی معلمان کشور را همچنان در توقیف نگاه می‌دارند، در شرایط نبود ابزار سراسری اطلاع‌رسانی به منظور تخریب و انحراف و تفرقه افکنی به پخش بیانیه‌های جعلی به نام تشکل‌های صنفی معلمان مبادرت می‌کنند و همزمان شایعه می‌کنند که تجمع و تحصنی در کار نبوده و معلمان منصرف شده‌اند. در کنار همه این ترفندها، نمایندگان وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، اطلاعات و وزارت کشور تقریباً به زور در اجلاس اخیر کانون صنفی معلمان شرکت کردند تا با هر ترفندی که در چنته دارند مانع برگزاری اعتصاب معلمان و طرح سراسری خواست‌های آنان در سطح جامعه شوند.

معلمان تهران ضمن هشدار نسبت به عدم پایبندی به توافقات حاصله در اجلاس معلمان در یزد نوشتند: "عدم پایبندی به بیانیه یزد به معنای سازش با عوامفریبانی است که هر بار خواسته‌های معلمان را بی جواب گذاشته‌اند یا با سخنان وقاحت بار خود بر درد معلمان اضافه کرده‌اند. آیا مسئولان جانی برای علم و دانش در کلاس‌های درس باقی گذاشته‌اند که ما با حضور خود در کلاس به آن بپردازیم."

**معلمان اسلامشهر در اعتراض
به سختی شرایط کار اقدام به
اعتصاب کردند**

معلمان اسلامشهر، روز ۶ اردیبهشت ۱۳۸۳ در اعتراض به سختی کار و وضعیت حقوق خویش از رفتن به کلاس‌های درس خودداری کردند. آن‌ها خواهان کاهش ساعات درسی و افزایش حقوق خود هستند.

۲۰۰۰ کارگر بیکار شدند

طرف دو هفته اخیر، ۴ کارخانه چینی سازی فعال در کشور تعطیل شده‌اند.

مسئولان کارگری معتقدند که این کارخانه‌ها به دلیل واردات بی رویه محصولات چینی با بحران‌های جدی رو به رو شده و به تعطیلی کشانیده شدند. کارخانه‌های تعطیل شده، "مافشان اصفهان"، "پارس گیلان"، "هیس زنجان" و "نور قزوین" هستند. این کارخانه‌ها، هرکدام در حدود ۵۰۰ کارگر داشته‌اند، که با تعطیل شدن آن‌ها بالغ بر ۲۰۰۰ کارگر به آمار بی‌کاران کشور اضافه شده است.

لغو مجازات اعدام ...

حداقل ۲۷۵۶ نفر در ۶۳ کشور جهان اعدام شدند. چین با ۷۲۶ اعدام در ردیف اول، ایران با ۱۰۸ اعدام در ردیف دوم و آمریکا با ۶۵ اعدام در ردیف سوم رقرار دارند.

**رژیم جمهوری اسلامی شش تن
از پیشمرگان حزب دمکرات
کردستان را اعدام کرد**

رژیم جمهوری اسلامی شش تن از پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران به نام‌های ارشاد رضائی، محمدعزیز قادری، یونس محمدپور، عدنان اسماعیلی، مظفر کاظمی و معروف سهرابی را چند هفته بعد از آنکه در تاریخ ۲۸ مهر ۱۳۷۵ توسط "جنبش اسلامی عراق" تحویل رژیم شدند، به جوخه اعدام سپرد.

بر اساس اطلاعیه‌ای که حزب دمکرات در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۸۳ منتشر کرد، این شش تن همراه با یک تن دیگر از اعضای حزب که اخیراً موفق به فرار از زندان شده، در حالی که در تاریخ ۲۸ مهر ۱۳۷۵ از ماموریت حزبی بسوی قرارگاه‌های خود باز می‌گشتند، در اطراف شهر حلبچه کردستان عراق توسط افراد مسلح جنبش اسلامی کردستان عراق به اسارت گرفته شده و تحویل رژیم جمهوری اسلامی شده‌اند.

در بخش دیگری از اطلاعیه آمده است که رژیم سرانجام تحت فشار افکار عمومی و طرفداران حقوق بشر ناچار گردید پرده از این جنایات خود بردارد.

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) طی انتشار اطلاعیه‌ای در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۸۳ برابر با ۱۴ آوریل ۲۰۰۴، اعدام این مبارزان کرد را قویاً محکوم کرد و هشدار داد که بیش از ۶۰ مبارز کرد به اعدام محکوم شده‌اند و رژیم در پی فرصت مناسبی است که آن‌ها را اعدام نماید.

**گردهمایی زنان در اعتراض به
برنامه‌های صدا و سیما**

زنان فعال در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی به نشانه اعتراض به سیاست‌های صدا و سیما رژیم بخاطر تولید و پخش برنامه‌هایی که در آنها به شخصیت زنان توهین می‌شود، عصر روز چهارشنبه ۹ اردیبهشت دست به تجمع زدند.

این گردهمایی برای نخستین بار و به بهانه پخش سریال تلویزیونی «بانوی دیگر» در پربیندترین ساعات روزهای نوروز در انجمن صنفی روزنامه نگاران برگزار شد.

نوشین احمدی خراسانی، در خصوص این گردهمایی گفت: بسیاری از تصاویری که از زنان در صدا و سیما ارایه می‌شود از نظر ما و تمام کسانی که در حوزه زنان کار می‌کنند غیرواقعی است.

در انواع و اقسام سریال‌های تلویزیونی شاهد مردان دوزنه و زنان کلیشه‌ای هستیم. در حالی که صدا و سیما یک تریبون انحصاری و در دست یک گروه خاص و تفکر خاصی است و هیچ طیف دیگری با تفکر دیگر نمی‌تواند تصویر موردنظر خود را ارایه دهد.

وی گفت: اما نکته‌ای که در این میان نباید فراموش کرد این است که فارغ از علت تشکیل این تجمع و تأثیراتی که می‌تواند داشته باشد، این نخستین تجمعی است که به صورت کاملاً مردمی و بدون حمایت و هدایت نهادهای دولتی و از طریق زنان فعال جامعه تشکیل می‌شود.

از کمک‌های مالی ...

انگلستان: فرخ ۲۰۰ پوند
فرح ۲۰۰ پوند - خانواده زندانیان سیاسی